

مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

محمدحسن کشاورز مؤیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، کارآموز مرکز امور وکلای و مشاوران قوه قضاییه استان فارس، شیراز، ایران

چکیده

مددکاری اجتماعی یکی از نهادهای یاور در نظام دادرسی کیفری ایران به شمار می‌آید. این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، درصدد است بدین پرسش پاسخ دهد که مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چه جایگاهی دارد؟ مددکاری اجتماعی به زبان ساده، دانش تواناساختن افراد در زندگی‌های فردی و اجتماعی خود بر پایه مهارت‌های چالش‌ستیزانه است و ویژگی‌هایی چون بازتوانی و داده‌پروری را به همراه دارد. مبانی مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شامل پیچیدگی جرم، رهیافت بازپروری بزه-کاران، جرم‌شناسی محکومان زندانی و شکوفایی دانش کیفرشناسی است. اثرگذاری در کارویژه بازجامعه‌پذیرسازی، کیفی‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری و آسیب‌زدایی از اجرای احکام کیفری برخی از چهره‌های مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری است. این راهبرد برآیندهای مهمی را همانند فروکاسته شدن از نرخ بازگشت به زندان، باروری برنامه ملی پیشگیری از جرم ایران، کیفی‌شدن مرحله اجرای احکام کیفری و اهمیت یافتن رویکردهای دوسویه‌ای و میان-رشته‌ای در پیوند با جرم به همراه دارد.

واژگان کلیدی: مددکاری اجتماعی، مرحله اجرای احکام کیفری، آیین دادرسی کیفری، محکوم، نظام عدالت کیفری ایران

مقدمه

بر پایه رهیافت بنیادین جرم‌شناسی دورکیمی، جرم پدیده‌ای طبیعی در جامعه است. شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده و ارزیابی جرم‌شناختی معیارهای به‌زماداری و حکمرانی مطلوب نیز از این راه انجام می‌شود. (حسانی و دیگران، ۲۸: ۱۴۰۰) در واقع، در هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه‌ستیزانه مشارکت دارند. (Piquero, 2016: 16) بنابراین جوامع باید همواره در راه پیاده‌سازی سودمندترین پاسخ‌ها در برابر جرم کوشا باشند.

پیاده‌سازی واکنش اجتماعی مناسب در برابر جرم و دستیابی به هر کدام از اهداف تعیین‌شده از آن در دکتترین علوم جنایی با توجه به حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های این چهره از کژروی اجتماعی با سازماندهی نظام دادرسی پیوندی تنگاتنگ دارد. بنابراین هر کدام از گام‌ها یا مراحل فرآیند کیفری باید از یک سو با نهادسازی و از دیگر سو با به‌کارگیری نیروی انسانی سزاوار به گونه‌ای سازماندهی شود که جامعه بتواند از رهگذر پاسخ‌دهی مناسب به جرم ارتكابی و برقراری عدالت کیفری رویکردی آینده‌نگر را نیز داشته و به اهداف ازپیش‌تعیین شده خود دست یابد.

بدین ترتیب افزون بر کنشگران سازمانی نظام عدالت کیفری، کنشگران دیگری نیز با هدف مهار زمینه‌های جرم‌زا به کار گرفته می‌شوند تا فرآیند کیفری به طور کلی هم‌راستا با نیت جامعه در پیکار با جرم عمل کند.

یکی از کنشگران غیرسازمانی پیش‌گفته، مددکاران اجتماعی هستند که در هنگام اجرای مجازات و به ویژه مجازات حبس می‌توانند به جامعه به خوبی یاری برسانند تا با شناسایی مهم‌ترین علل ارتکاب جرم از سوی محکوم، بازجامعه‌پذیرسازی وی را ساده ساخته و تا آنجا که ممکن است جامعه را از گزند کژروی‌های آینده وی در امان نگاه دارند.

با قاعده‌گذاری‌های موجود در بخش اجرای احکام کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نهاد کیفری مددکاری اجتماعی نیز در نظام دادرسی کیفری ایران فروغی دوباره یافته و از چشم‌انداز شاخه‌های گوناگون جرم‌شناسی، بزه‌دیده‌شناسی و جز آن اهمیتی شگرف دارد.

بر پایه این مراتب، این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، درصدد است بدین پرسش پاسخ دهد که مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چه جایگاهی دارد؟ برای دستیابی به این هدف، پس از خوانش فشرده گستره مددکاری اجتماعی، مبانی واکاوی، بایسته‌ها و سرانجام برآیندهای کاربرد آن در این گستره به گونه‌ای فشرده ارزیابی می‌شود.

۱-مددکاری اجتماعی

این نوشتار مددکاری اجتماعی را از چشم‌انداز آموزه‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ واکاوی می‌کند از همین رو در آغاز سزاوار است گستره این دانش و نیز ویژگی‌های آن از نظر گذرانده شود.

۱-۱-مفهوم‌شناسی

مددکاری اجتماعی به زبان ساده، دانش تواناساختن افراد در زندگی‌های فردی و اجتماعی خود بر پایه مهارت‌های چالش-ستیزانه است. برای این شاخه از علوم انسانی، اهدافی همانند بالا بردن کیفیت زندگی و رفاه‌افزایی افراد از هر گروه در دستور کار جای دارد.

مددکاری اجتماعی طبق تعریف مری ریچمون بنیانگذار این حرفه شامل فرآیندهایی است که شخصیت را از طریق سازگاری‌های آگاهانه فردی یا آنچه بین انسان و محیط اجتماعی حادث می‌شود شکل می‌دهد. (علی‌نیا و دیگران، ۲۳۱: ۱۳۹۲) توانمندی‌های به‌دست‌آمده از این فرآیندها آشکار است و سبب می‌شود که فرد به سادگی و با کمترین وسوسه‌ها ارتکاب جرم را برنگزیند.

پیچیدگی‌های گوناگون زندگی اجتماعی و به ویژه ذات زندگی انسان سبب می‌شود تا همواره و در هر کدام از روندهای پیموده شده زیستی وی چالش‌هایی برای او روی دهد. شماری از آموزه‌های دینی نیز بر این واقعیت تکیه دارند به همین خاطر توانمند شدن انسان برای گذار از این چالش‌ها پدیداری فرصت‌ها و بسترهای مناسب برای پیاده‌سازی حقوق بنیادین خود در شمار بنیادی‌ترین واقعیات زندگی او به شمار می‌آید.

مددکاری اجتماعی می‌کوشد تا در پرتو ارائه شناختی فراگیر و روز آمد از جامعه و نیز جامعه محلی درک مناسبی را از چالش‌های گوناگون فراروی او به دست داده و به وی کمک کند تا با بهره‌گیری از ابزارهای در دسترس از سد این چالش‌ها بگذرد.

چنین رویکرد مداخله‌گر و عملگرا سبب می‌شود تا انسان با وجود باورمندی به طبیعی بودن هرگونه چالش یا دشواری در زندگی خود، درصدد دستیابی به مهارت‌های گذار از آنها نیز باشد.

با توجه به این که در پرتو شکوفایی رویکردهای انسان‌گرایانه در نظام عدالت کیفری، حمایت کیفری یا پشتیبانی هرچه بیشتر از شهروندان نیز در شمار رسالت‌های این سازه پیکارگر جامعه با جرم درآمده است، خوانش نظام‌های عدالت کیفری در سرتاسر جهان نشان می‌دهد که مددکاری اجتماعی در بیشتر کشورها جایگاهی ویژه را یافته است.

۲-۱- ویژگی‌ها

مددکاری اجتماعی به مفهوم پیش‌گفته، ویژگی‌های مهمی دارد که می‌تواند جایگاه آنها را نیز به خوبی نشان دهد. بنابراین در این گفتار شماری از مهم‌ترین ویژگی‌های مددکاری اجتماعی به گونه‌ای فشرده از نظر گذرانده می‌شود.

۱-۲- باز توانی

همان گونه که از مفهوم‌شناسی مددکاری اجتماعی نیز برمی‌آید، نخستین و بنیادی‌ترین ویژگی این شاخه از علوم انسانی توانمندسازی آن است که به آماج‌های آن کمک می‌کند تا با آسودگی خاطر از سد چالش‌های گوناگون فراروی خود گذشته و بتوانند روندهای دلخواه خویش را در چارچوب قانون در زندگی خود دنبال کنند.

توانمندساز بودن مددکاری اجتماعی مهم‌ترین دلیل برای پیش‌بینی نقش‌آفرینی آن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ همانند بسیاری از مقررات کیفری شکلی در سرتاسر جهان است. هنگامی که فردی بنا به دلایل گوناگون و از جمله کاستی‌های موجود در زندگی خانوادگی، اجتماعی، شغلی، گروه‌های همسالان و... به سوی ارتکاب جرم ره می‌سپرد، چالش‌های واقعی وی را گرداگرد خویش گرفته است.

بنابراین باید در هنگام پیاده‌سازی واکنش اجتماعی نسبت به آن از رویکردهای توانمند ساز نیز برای کاستن از شدت یا گران‌شدن این اثرگذاری منفی و سبب‌ساز جرم بهره گرفته شود تا بتوان امیدوار بود که فرد به یک زندگی متعارف و همانند دیگران رهنمون شود.

۲-۲-۱- داده‌پروری

دومین ویژگی بسیار مهم مددکاری اجتماعی که نقشی سرنوشت‌ساز را در راه اثرگذاری‌های مداخله‌ای آن در جامعه و از جمله در نظام عدالت کیفری پیاده می‌کند، ویژگی داده‌پروری یا داده‌سازی آن است که اقتضا دارد مددکار اجتماعی از هر کدام از علل ارتکاب جرم از سوی او آگاه بوده و بتواند فهرست این علل و نیز میزان یا چگونگی اثرگذاری آن را با وی هم‌رسانی کند.

بنابراین مددکاران اجتماعی از همان آغاز میان-کنش با محکوم درصدد گردآوری داده‌های شخصی و ارزشمند از وی برآمده و در ادامه با ارزیابی یا پیمایش این داده‌ها به جامعه کمک می‌کنند تا واکنش اجتماعی مقرر را در قوانین کیفری برای آنها با کیفیتی بیشتر و سودمندتر پیاده کنند.

۲-۲-۲- مبانی مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

واکاوی مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مبانی گوناگونی دارد که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲- پیچیدگی جرم

نخستین مبنای بسیار مهم برای آگاهی از چرایی نقش‌آفرینی مددکاری اجتماعی در نظام دادرسی کیفری پیچیدگی جرم است که خود به روشنی در کانون توجه جرم‌شناسان و دیگر اندیشمندان علوم جنایی جای گرفته است.

پیچیدگی جرم بیش و پیش از هر چیز به خاطر پیوند آن با ذات انسان است که در پرتو ویژگی سودجویی یا فایده‌جویی خود می‌کوشد همواره و البته بر پایه تحلیل‌های هزینه-فایده و البته آنچه در میان جرم‌شناسان کاندایی و به ویژه موريس کوسن، رهیافت استراتژیک بزهکاری خوانده می‌شود به گونه‌ای از موانع درونی یا بیرونی فراروی خود گذر کرده و با ارتکاب جرم در پی دستیابی به لذت‌های دلخواه خود باشند.

بنابراین ویژگی پیچیدگی جرم سبب می‌شود که همه روندهای مجرمانه همواره و به گونه فراگیر برای نظام‌های عدالت کیفری پیش‌بینی‌پذیر نباشند. در واقع همین ویژگی گریزناپذیر پیچیدگی جرم است که گاه سبب می‌شود تا برخی از نهادهای کیفری با وجود کارآمدی خود از کارایی افتاده و جامعه را به دنبال دستیابی به راهبردهای جایگزین رهنمون سازد.

با توجه به این واقعیت که علت ارتکاب جرم در میان افراد گوناگون حتی از یک طبقه اجتماعی یا با وضعیت فردی و اجتماعی همسان ممکن است بسیار ناهمساند باشد و این پیچیدگی گاه راهبردهای جامعه را برای بازجامعه‌پذیرسازی این افراد آشکارا به چالش بکشد، مددکاران اجتماعی می‌توانند تا آنجا که امکان دارد از جمله با بهره‌گیری از ویژگی داده‌پروری خود نظام عدالت کیفری را در راه دستیابی به شناختی فراگیر و روز آمد از مجرم یاری رسانند.

۲-۲-۲- رهیافت بازپروری بزه‌کاران

دیگر مبنای مهم برای پیش‌بینی نقش‌آفرینی مددکاران اجتماعی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ رهیافت اصلاح و درمان یا بازپروری بزه‌کاران است که به گستردگی در نظام عدالت کیفری ایران پیش‌بینی شده است، چندان که بزه‌کار در عمل، خود بزه دیده‌ای است که به خاطر اثرپذیری از آن کاستی‌ها به سوی جرم آمده است. بنابراین بخشی از فرآیند پاسخگو کردن وی در برابر جرم ارتكابی باید ناظر به خشکاندن ریشه‌های چالش‌های پیش‌گفته و یاری رساندن به او برای دستیابی به چهره‌های یک زندگی متعارف و همسان در جامعه باشد.

با توجه به این که مقدمه چنین رویکردی نسبت به محکوم آگاهی از گستره ناسازمندی‌های پیش‌گفته در زندگی او است، کنشگری مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای احکام کیفری می‌تواند دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری ایران و به ویژه دادرسان اجرای احکام کیفری را در راه سویه‌بخشی به این مرحله برای دستیابی به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده در قبال محکوم یاری رساند.

۳-۲- جرم‌شناسی محکومان زندانی

دیگر مبنای مهم موجود برای توجه به نقش مددکاران اجتماعی رهیافت جرم‌شناسی محکومان زندانی است که از سوی جان ایروین به میان آمد.

هدف از این جنبش به‌سازی شرایط زندان و کیفیت بخشیدن هرچه بیشتر بدان برای بیشینه ساختن احتمال تحقق اهداف مقرر در پیوند با آن است.

از چشم‌انداز آموزه‌های جرم‌شناسی محکومان زندانی هم مددکاران اجتماعی اهمیتی آشکار دارند. چرا که بخش مهمی از عملکردهای آنها به بهسازی زیرساختی و نیز شناختی مرحله اجرای احکام کیفری بازمی‌گردد که خود در راه دستیابی به آرمانی چون بازجامعه‌پذیری درست بزهکاران و کاستن از احتمال نرخ بازگشت به زندان اهمیت بسیاری دارد.

۴-۲- شکوفایی دانش کیفرشناسی

کیفرشناسی شاخه‌ای از علوم جنایی است که به واکاوی مناسب‌ترین شیوه‌های اجرای مجازات یا سزادهی بزهکاران می‌پردازد. این دانش در آغاز علم اداره زندان نامیده می‌شد و امروزه، گستره‌ای از راهبردهای گوناگون نظری و عملیاتی را برای دستیابی به بهترین شیوه‌های پیاده‌سازی مجازات در دستور کار دارد.

شکوفایی دانش کیفرشناسی نیز اقتضا می‌کند مددکاران اجتماعی برای دستیابی به هدف بهترین چهره‌های اجرای مجازات حبس به کار گرفته شوند. زیرا هر کدام از نمودهای این اجرا و از جمله دسته‌بندی زندانیان بدون آگاهی از واقعیات موجود در زندگی آنها که از جمله از رهگذر نقش‌آفرینی مددکاران اجتماعی به دست می‌آید، امکان‌پذیر نیست.

۳-۳- کارویژه‌های مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

کارویژه‌های مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جایگاه این نهاد سرنوشت‌ساز و البته کمترشناخته‌شده را در نظام دادرسی کیفری ایران به خوبی نشان می‌دهد. از همین‌رو در گفتارهای آینده، این کارویژه‌ها نیز از نظر گذرانده خواهند شد.

۱-۳- اثرگذاری در کارویژه بازجامعه‌پذیرسازی

نخستین کارویژه پیش‌بینی‌شده برای مددکاران اجتماعی در زندان بر پایه آورده‌های علوم جنایی، یاری رساندن به فرآیند بازجامعه‌پذیرسازی است.

هدف بنیادین هر کدام از روندهای اجرای حکم در مجازات‌هایی به جز سالب حیات این است که مجرم با تحمل مقتضیات عدالت کیفری و رنجی برابر با لذات برخاسته از جرم، اهمیت ارزش‌های نقض‌شده را از عمل مجرمانه ارتكابی خود درک کند. کاستی در جامعه‌پذیرسازی فرد در نهاد خانواده و سپس در نهادهای اجتماعی دیگر سبب می‌شود که فرد به خود اجازه نقض ارزش‌های گوناگون فردی را داده مرتکب پررنگ‌ترین چهره‌های ناسازمندی اجتماعی یا جرم شود.

بنابراین باید از رهگذر اجرای مجازات به وی آموخت که زندگی اجتماعی مستلزم در نظر داشتن ارزش‌های گوناگون جامعه و از جمله حقوق بنیادین دیگران است. در این راستا مددکاران اجتماعی در زندان با همراهی با محکوم و دستیابی به شناختی

فراگیر و روز آمد از سرتاسر زندگی او و از آن جمله مهم‌ترین علل ارتکاب جرم به وی می‌آموزند که زندگی اجتماعی مستلزم توجه به ارزش‌های نقض‌شده از رهگذر رفتار مجرمانه او است.

۲-۳- کیفی‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری

یکی از مهم‌ترین تأسیسات کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که البته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز پیشینه داشت اما در این قانون گسترش یافته، نهادهای ارفاقی کیفری است.

هدف بنیادین این نهادها، دادن فرصتی به بزهکار برای رها کردن خود از پیامدهای گاه بازسازی‌ناپذیر و اگرچه گریزناپذیر هم-پیوند با پیاده‌سازی مجازات است.

بدین ترتیب همان‌گونه که از نام نهادهای ارفاقی کیفری نیز نیز برمی‌آید، این تأسیس بسیار مهم در قانون مجازات اسلامی که خود در چهره‌هایی چون تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی و... بازتاب یافته، فرصتی است که به برخی از بزهکاران داده می‌شود.

بی‌گمان برخی از این نهادها همانند تعلیق اجرای مجازات آیا آزادی مشروط در قانون شرایطی را دارد و احراز برخی از این شرایط با بهره‌گیری از کمک‌های مددکاران اجتماعی به خوبی برمی‌آید. بنابراین نقش‌آفرینی مددکاران اجتماعی در پیوند با نهادهای ارفاقی کیفری یکی از مهم‌ترین نمودهای عملکردی آنان به شمار می‌آید.

۳-۳- آسیب‌زدایی از اجرای احکام کیفری

مددکاران اجتماعی کارویژه مهم آسیب‌زدایی از مرحله اجرای احکام کیفری را نیز در اختیار دارند که خود نقش مهمی را در راه پیاده سازی عدالت کیفری هم نسبت به جامعه و هم نسبت به فرد محکوم که در قبال جامعه مدیون شمرده می‌شود دارد. در این راستا باید خاطرنشان شود که زدودن اجرای احکام کیفری از کینه‌توزی یا انتقام‌جویی صرف جامعه نسبت به محکوم و به تعبیر دیگر عقلانی کردن آن در راه پدیداری فرصت‌هایی بهتر از رهگذر عملکردهای نظام‌های عدالت کیفری در جامعه بسیار اثرگذار است.

۴- برآیندهای مددکاری اجتماعی فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

مددکاری اجتماعی در فرآیند کیفری بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برآیندهای گوناگونی را به همراه دارد که در ادامه به شماری از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

۱-۴- فروکاسته شدن از نرخ بازگشت به زندان

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین و عینی‌ترین سنجه‌های ارزیابی نظام‌های عدالت کیفری را در مرحله اجرای احکام کیفری نرخ بازگشت به زندان دانست. از آنجا که فرآیند اجرای احکام کیفری امری پیچیده و نیازمند تخصص حقوقی است (رسولخانی و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۸۰: ۱۴۰۳) این سنجه نیز باید با نگرشی دانش-بنیان و تخصص‌گرا در پیش گرفته شود.

با توجه به این واقعیت که برای بازجامعه‌پذیرسازی محکوم هزینه‌های گوناگون انسانی و مادی صرف می‌شود انتظار می‌رود که وی پس از برخورداری از این منابع عمومی تا آنجا که ممکن است به سوی رفتارهایی جامعه‌پذیر یا همنوا با جامعه گام بردارد. در واقع رهیافت جرم‌شناسی دور‌کیمی مقتضی طبیعی بودن احتمال بازگشت زندانیان به زندان است.

البته بی‌گمان هنر یک نظام عدالت کیفری کمینه ساختن این نرخ است. چرا که وسوسه جرم و از آن جمله، بازارهای زیرزمینی جرم که به گفته جامعه‌شناسانی چون مانوئل کاستلز از گستره اقتصاد جرم یا اقتصاد پنهان سزاوار اهمیت هستند، همواره مجرمان را به سوی ارتکاب خود می‌کشانند.

بنابراین باید پذیرفت که حتی پیاده‌سازی دانش-بنیان‌ترین و کیفی‌ترین برنامه‌های اصلاح و درمان در زندان نیز نمی‌تواند تضمین کننده بازنگشتن یک زندانی به آن باشد. از همین‌رو هر اندازه که یک نظام عدالت کیفری بتواند با نگرستن به دربرداشته‌های خود این نرخ را کمتر کند، به پیروزمندی دست یافته است.

هنگامی که متناسب با روندهای هر یک از بخش‌های نظام عدالت کیفری، مددکاران اجتماعی به خوبی در این سازه پیکارگر جامعه با جرم به کار گرفته شوند، احتمال دارد که نرخ بازگشت به زندان نیز تا اندازه بسیاری کاهش یابد. چرا که همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد مددکاران اجتماعی وظیفه دارند تا آنجا که ممکن است به توانمندسازی محکومان بپردازند. این توانمندسازی نیز از جمله دربردارنده آگاهی از مهم‌ترین دلایل فردی و اجتماعی موجود برای رهنمون ساختن این افراد به سوی جرم و نیز مناسب‌ترین راهکارهای پاسخ دهنده در این راستا در برابر آن است.

۲-۴- باروری برنامه ملی پیشگیری از جرم ایران

دیگر برآیند بسیار مهم نقش‌آفرینی مددکاران اجتماعی بر پایه مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بارور شدن بیشینه‌ای برنامه ملی پیشگیری از جرم ایران است که خود آورده قانون پیشگیری از وقوع جرم ۱۳۹۴ به شمار می‌آید. برنامه‌های ملی پیشگیری از جرم به رهیافت‌های سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که با هدف گردهم‌آوری روندهای پاسخ دهنده پیشینی به جرم و پرهیز از هم‌پوشانی و یا هدررفت منابع تدوین می‌شوند. از آنجا که مددکاران اجتماعی ارائه‌کنندگان خدمات اجتماعی نیز هستند در کاهش مسائل و مشکلات اجتماعی سهیمند. همچنین در پیشگیری از کژکارکردهای اجتماعی نقش موثری را ایفا می‌کنند. (اللهیاری، ۴۸: ۱۳۸۸) مددکاران اجتماعی هنگامی که در پرتو ویژگی داده‌پروری خود انبوهی از آگاهی‌ها را از مهم‌ترین علل ارتکاب جرم از سوی هر کدام از بزهکاران درمی‌یابند، می‌توانند با پیاده‌سازی رویکردهای گسترده نگر و بر پایه برخی از بایسته‌های روش پژوهش علوم جنایی این یافته‌ها را تعمیم داده و به همین خاطر به درکی فراگیر از مهم‌ترین علل ارتکاب جرم دست یابند. داده‌های پیش گفته در شمار مهم‌ترین نیازمندی‌های کنشگران برنامه ملی پیشگیری از جرم ایران است و می‌تواند آنها را در راه پیاده‌سازی رویکردهای ملی یا محلی در پیوند با پاسخدهی کنشی به جرم یاری دهد.

۳-۴- کیفی‌شدن مرحله اجرای احکام کیفری

دانش-بنیان شدن بیشینه‌ای جوامع انسانی نظام عدالت کیفری را نیز بر آن می‌دارد تا با گذار از صرف هستی‌نگری یا برآیندهای اصل قانونی بودن به سوی کیفی‌سازی بیشینه‌ای خود نیز گام بردارد. از آنجا که مددکاران اجتماعی کنشگران غیرقضایی نظام عدالت کیفری ایران به شمار می‌آیند و البته بر پایه مقررات قانون آیین دادرسی کیفری در هنگام پیاده‌سازی مجازات نیز رسالت‌هایی را بر دوش دارند، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های یاری رساندن به نظام پیش گفته برای کیفی‌سازی خود به شمار می‌روند.

بنابراین هر اندازه که مددکاران اجتماعی بتوانند از رهگذر گردآوری داده‌های درست از محکومان و یاری‌رسانی به آنها برای توانمندسازی خویش رسالت‌های مقرر را برای خود انجام دهند می‌توان امیدوار بود که آرمان کیفی‌سازی نظام‌های عدالت کیفری نیز در بیشترین میزان خود روی دهد.

به نظر می‌رسد قانونگذار در پی دو اصل اساسی ساختارمند شدن اجرا و تخصصی شدن اجرای احکام کیفری بوده است زیرا یک قاضی به تنهایی نمی‌تواند همه امور مربوط به اجرا را انجام دهد بلکه اجرای احکام مستلزم وجود ساختار قضایی مناسب به همراه قضا و منابع انسانی متخصص همچون مددکاران اجتماعی و ماموران مراقب است. (مؤذن‌زادگان و جهانی، ۱۴۰۰: ۳۷) بنابراین اهمیت نقش مددکاران اجتماعی در راه واقعیت بخشیدن به کیفیت‌افزایی بیشینه‌ای نظام دادرسی کیفری آشکار است.

۴-۴- اهمیت یافتن رویکردهای دوسویه‌ای و میان-رشته‌ای در پیوند با جرم

برآیند بسیار مهم دیگری که از نقش‌آفرینی سزاوار مددکاران اجتماعی بر پایه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به دست می‌آید، اهمیت یافتن رویکردهای میان-رشته‌ای یا دوسویه در پیوند با جرم است. همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، جرم پدیده‌ای پیچیده است و نظام‌های عدالت کیفری حتی در صورت پیاده‌سازی مناسب‌ترین رویکردهای عملیاتی نیز نمی‌توانند از گزند تکانش‌های آن در امان باشند. جامعه به گونه فزاینده‌ای سرشار از جرایم است و در نتیجه، شهروندان نیازمند نقش‌آفرینی نظام عدالت کیفری هستند. (Goody, 3: 2009) پس این نظام باید همواره به دنبال توان‌افزایی خود باشد. بنابراین بایسته عملکردی مهم آنها، توان‌افزایی بیشینه‌ای خود در پیوند با جرم است. پژوهش‌ها و مطالعات دوسویه یا میان-رشته‌ای می‌تواند درک کنشگران نظام پیشرفته را از جرم و در نتیجه پیاده‌سازی پاسخ‌های سزاوار کنشی و واکنشی را در برابر آن بهینه سازد.

با توجه به اهمیت نقش‌آفرینی مددکاران اجتماعی در معاونت اجرای احکام دادسرا اهمیت روی آوردن به تخصص‌های هم-پیوند با جرم برای دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری نیز بیشتر می‌شود و این احتمال وجود دارد که در نوسازی‌های آینده قوانین کیفری ماهوی یا شکلی شمار دیگری از فناوران دانش‌های گوناگون نیز بسته به نیاز به همکاری با نظام عدالت کیفری فراخوانده شوند.

نتیجه‌گیری

پیاده‌سازی سزاوار واکنش اجتماعی در برابر جرم و دستیابی به اهداف مشخص جامعه، در شمار بنیادی‌ترین رسالت‌های آن در برابر پدیده مجرمانه است که در شماری از تبیین‌های جرم‌شناختی و از آن جمله، جرم‌شناسی دورکیمی به درستی بر طبیعی بودن و از همین‌رو، همیشگی بودن آن پافشاری شده است.

از دیرباز، قانونگذاران دادرسی کیفری کوشیده‌اند تا فرایند کیفری را به گونه‌ای تدوین کنند که اهداف گوناگون جامعه همانند پیشگیری از تکرار جرم به ویژه در مفهوم برخاسته از مکتب کلاسیک حقوق کیفری و جرم‌شناسی در آن روی دهد و از این دیدگاه تکانش‌های جرم نتواند یکپارچگی اجتماعی را به چالش بکشد.

یکی از مهم‌ترین رهاوردهای این کیفی‌نگری به فرایند کیفری، بهره‌گیری از توانمندی‌های گوناگون کنشگران غیر قضایی است که می‌توانند به گونه‌ای این بخش از نظام دادرسی کیفری را به ماهیت و جایگاه ویژه خود سویه بخشند.

مددکاران اجتماعی در شمار کنشگران غیرقضایی فرآیند کیفری هستند که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بخشی از مرحله اجرای احکام کیفری پیش‌بینی شده‌اند. آنها به ویژه در هنگام پیاده‌سازی مجازات حبس در زندان می‌توانند به قاضی اجرای احکام کیفری در راه انجام سزاوار کارویژه اجرای مجازات یاری رسانند.

با توجه به این واقعیت که امروزه در پرتو شکوفایی رهیافت اصلاح و درمان یا بازپروری بزهکاران، آگاهی از علل ارتکاب جرم و سپس کمک به محکوم برای بازگشت سزاوار به جامعه اهمیت بسیاری برای نظام‌های عدالت کیفری دارد، مددکاران اجتماعی با توجه به تخصص و تجارب خود، دستیابی به این هدف را توان می‌بخشند.

در برخی از کشورهای غربی مرحله پسا کیفری نیز پیش‌بینی شده است. با وجود پیش‌بینی نشدن صریح این امر در ایران، با توجه به بایستگی کمک به محکوم برای بازگشت به زندگی در جامعه، مددکاران اجتماعی می‌توانند این رسالت را به خوبی انجام دهند.

با وجود پیش‌بینی جایگاه مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای احکام کیفری به نظر می‌رسد که همچنان نیاز به قاعده‌گذاری در این راستا وجود دارد. چرا که جرم پدیده‌ای پیچیده است و دستیابی به همه اهداف جرم‌شناختی، کیفرشناختی و بزه‌دیده‌شناختی مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری هنگامی به خوبی ممکن است که درکی فراگیر و روزآمد از جرم و بایستگی پاسخدهی بدان به دست آمده باشد.

به همین خاطر نیاز به قاعده‌گذاری برای گسترش نقش مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای احکام کیفری به خوبی دیده می‌شود. پیروزمندی در این راه می‌تواند جایگاه این کنشگران را در هر کدام از روندهای هم‌پیوند با نظام عدالت کیفری همانند برنامه ملی پیشگیری از جرم بالا برده و سبب شود که آرمانی چون کیفی‌سازی فرآیند کیفری و فراتر از آن سرتاسر نظام عدالت کیفری در نیکوترین چهره خود روی دهد.

در راستای یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود رویه قضایی هم‌پیوند با کنشگری مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای احکام کیفری تدوین و هم‌رسانی شود. افزون بر این سزاوار است کاستی‌های کنونی عملکرد مددکاران اجتماعی در مرحله اجرای احکام کیفری فهرست شده و برای گذار از آنها رویکردهایی سزاوار همانند بهره‌گیری از توانمندی‌های دکترین و یا قاعده‌گذاری کیفری در پیش گرفته شود.

منابع

- اللهیاری، طلعت، (۱۳۸۸)، پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد مددکاری اجتماعی، مجله انتظام اجتماعی زمستان ۱۳۸۸ شماره ۴، صص ۶۷-۴۷
- حسانی، جلال‌الدین، میرخلیلی، سیدمحمود، نظری‌نژاد، محمدرضا، (۱۴۰۰)، رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری ایران، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۳)، ۲۷-۵۲
- رسولخانی، حامد، حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی، (۱۴۰۳)، حقوق بزه دیده در فرایند اجرای احکام کیفری با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه نحوه اجرای احکام، مجله تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی دوره ۱، شماره ۱، ۱۶۷-۱۹۷
- علی‌نیا، وهاب، اقلیما، مصطفی، معارف‌وند، معصومه، جوادی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۲)، تأثیر مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی بر سازگاری اجتماعی پسران بزه‌کار، مجله رفاه اجتماعی سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۲۴۹-۲۲۹
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، جهانی، بهزاد، (۱۴۰۰)، ساختار اجرای احکام کیفری ایران در پرتو اصل استقلال قضایی، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۵۵-۳۱

-Piquero, Alex, (2016), The Handbook of Criminological Theory, Sage Publication, London

-Goody, Jo, (2009), Victim and Victimology, Sage publication, London